DOI: 10.22034/mral.2025.2047725.1685

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

نظارت‌پذیری مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در نظام حقوقی ایران

مجید مرادی[۱]، مصطفی منصوریان[۲]

چکیده

در جمهوری اسلامی ایران در کنار مجلس شورای اسلامی، نهادهای دیگری را نیز می‌توان مشاهده کرد که به قاعده‌گذاری در حدود متفاوت می‌پردازند. شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا از این دست است. با پذیرش این واقعیت که این شورا در نظام حقوقی ایران، قواعد حقوقی وضع می‌کند، مسئله نظارت‌پذیری مصوبات این شورا به وجود می‌آید. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با چه مبنایی قابل توجیه است و در صورت اثبات امکان نظارت، با چه شیوه‌ای این نظارت قابل تحقق است. فرضیه این پژوهش نظارت‌پذیر بودن مصوبات این شوراها است. در این پژوهش این نتیجه به دست آمد که نظارت بر مصوبات این شورا بر مبنای تضمین رعایت اصل حاکمیت قانون، اصل سلسله‌مراتب هنجارهای قانونی و اصل تخصص؛ دلالت اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری بر لزوم نظارت‌پذیری هنجارهای حقوقی قابل توجیه است. نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا از چند طریق نظارت همگانی و عمومی مردم، نظارت درونی رئیس جمهور به واسطه ریاست بر این شورا و نظارت مقام رهبری به جهت تأیید این مصوبات ممکن دانسته شد و نظارت هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و شورای نگهبان بر مصوبات این شورا نیز به عنوان رویه‌ای دائمی و مؤثر جهت نظارت پیشنهاد گردید. همچنین مطابق رویه دیوان عدالت اداری نظارت قضایی این دیوان بر این مصوبات منتفی است.

واژگان کلیدی: شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، نظارت‌پذیری، حاکمیت قانون، سلسله‌مراتب هنجارها.

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق ، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری،تهران، ایران (نویسنده مسئول)، mjmoradi17@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری،تهران،ایران، mansourian@ujsas.ac.ir

مقدمه

در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌مقتضای نوع نظام و اهداف متفاوتی که دنبال می‌کند، نهادهای متعدد قاعده‌گذاری را می‌توان مشاهده کرد که به قاعده‌گذاری در حدود متفاوت می‌پردازند، هر چند برخی اساتید حقوق اساسی چنین عقیده‌ای را در مورد نظام جمهوری اسلامی ایران نداشته و معتقدند تنها نهاد قانون‌گذار، قوه مقننه است و وظیفه ذاتی و اصلی و اولیه قانون‌گذاری در اکثر موضوعات، برعهده‌ی مجلس شورای اسلامی است.[1] ولی واقعیت این است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در کنار این قوه که متشکل از نمایندگان منتخب مردم است، برخی نهادهای دیگر هم برای رفع برخی نیازها از اختیار قاعده‌گذاری برخوردار شده‌اند که از جمله آن‌ها شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا است.

حال با پذیرش صلاحیت قاعده‌گذاری توسط یک نهاد نوبت به این می‌رسد که نسبت این صلاحیت با اصل نظارت‌پذیر بودن همه اعمال حکومت مورد بررسی قرار گیرد. به‌یقین قراردادن هر صلاحیت برای مقامات و نهادهای عمومی مسئله نظارت بر نحوه اعمال این صلاحیت را به دنبال دارد.[2] این پژوهش با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با چه مبنایی قابل توجیه است و در صورت اثبات امکان نظارت، با چه شیوه‌ای این نظارت قابل تحقق است. فرضیه این پژوهش نظارت‌پذیر بودن مصوبات این شوراها است.

در خصوص پیشینیه موضوع این پژوهش اگرچه تحقیقاتی در زمینه جایگاه و صلاحیت مصوبه‌گذاری این شورا وجود دارد؛ ولی در رابطه با مسئله نظارت بر مصوبات این شورا و شیوه‌های ممکن جهت تحقق این نظارت، پژوهشی انجام نشده‌است و از این رو موضوع این پژوهش، بدیع است.

دراین پژوهش پس از معرفی شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و بیان ماهیت و جایگاه مصوبات این شورا در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی، به مبانی نظارت و شیوه‌های نظارت بر مصوبات این شورا پرداخته می‌شود.

---

۱. اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.
اصل هفتاد ویکم: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.

۲. راسخ، محمد، **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**، چاپ ششم، تهران، دراک، ۱۳۹۸، ص۲۰-۱۹.

گفتار نخست. منشأ تأسیس، ساختار و اهداف شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا

در پی خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و وضع تحریم‌های مجدد علیه کشور، نظام سیاسی کشور تصمیم به تشکیل نهادی مرکزی برای مدیریت یکپارچه و همه‌جانبه‌ی اقتصادی کشور و تصمیم‌سازی در این خصوص گرفت.[۱] تشکیل نهادی مرکزی برای تصمیم‌گیری اجماعی در خصوص هدایت مسائل اقتصادی با توجه به تشدید شرایط تحریمی به ایده و پیشنهاد مقام رهبری صورت گرفته است.[۲]

از آنچه در عمل در جلسات شورای موردبحث روی داده است، به نظر می‌رسد شورا متشکل از مقامات عالی‌رتبه نظام از قوای سه‌گانه است. این اعضا که در اولین نشست این شورا حضور داشتند به شرح ذیل بوده‌اند:

از هیئت دولت: رئیس‌جمهور، معاون اول رئیس‌جمهور، معاون امور اقتصادی رئیس‌جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه و وزیر نفت.

از مجلس شورای اسلامی: رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

و از قوه قضائیه: رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور و معاون اول قوه قضائیه.

---

۱. عباسی، بیژن و شیدایی نوید، **جایگاه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و مصوبات آن در نظم حقوق اساسی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، ۱۴۰۲، شماره ۱۰۳، ص ۱۸۳.

۲. اینجا دو سه هفته پیش یک جلسه ای تشکیل دادیم درباره مسائل اقتصادی کشور؛ رؤسای محترم سه قوه حضور داشتند، مسئولان فعال اقتصادی در بخش های دولت و مجلس و قوه قضائیه حضور داشتند؛ بحث نسبتاً خوبی در آنجا شد، حرف هایی زده شد. البته بنده اقتصاددان نیستم؛ حرف ها متکی به حرف های کارشناس ها بود؛ مطالبی را گفتیم، یک ترتیبات شکلی قرار شد که انجام بگیرد. دوستان همین ها را باید دنبال کنند؛ الآن من توصیه میکنم -رؤسای سه قوه تشریف دارند، همان آقایانی که در آن جلسه حضور داشتند، الآن همه اینجا هستند- [اگر] همان چیزهایی را که آن شب صحبت شد و تصمیم گیری شد و تأکید شد، با جدیت دنبال کنید، قطعاً مسائل اقتصادی پیش خواهد رفت؛ ما تردید نداریم. من، بعداً اطلاع پیدا کردم که دوستان اقتصاددان دولت هم تأیید کردند همان چیزی را که آن شب اینجا صحبت شد و گفته شد و در جلسه به صورت تصمیم اعلام شد. به نقل از پایگاه اطلاع رسانی مشرق قابل دسترسی در: mshrgh.ir/860159 مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۲۰.

البته اعضای دیگری نیز از هیئت دولت در جلسات بعدی شورا شرکت نمودند که می‌توان به این اعضا اشاره کرد: رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور و معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور، وزیر کشور، وزیر امور خارجه، معاون وزیر امور خارجه و عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و رئیس‌کل بانک مرکزی.[1] لذا با قاطعیت نمی‌توان از تمام اعضای این شورا نام برد.

در باب وظایف و اهداف این شورا هم باید گفت تصمیم‌گیری درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی کشور در این شورا انجام می‌گیرد. ازجمله دستور کارهای اساسی این شورا عبارت است از: الف) بررسی اوضاع بانکی ب) بررسی اشتغال و سرمایه‌گذاری ج) بررسی رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان د) بررسی بودجه و انضباط مالی ه) بررسی حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی ز) چاره‌اندیشی برای هرگونه احتمال در برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام.[2]

گفتار دوم. ماهیت و جایگاه مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در نظام حقوقی ایران

رویه قضایی دیوان عدالت اداری در نپذیرفتن دادخواست‌های مکرر، ابطال برخی مقررات دولتی وضع شده بر اساس مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی به علت مغایرت با قانون، بیانگر نگاه دیوان و نظام قضایی به جایگاه فرادستی مصوبات شورای عالی هماهنگی نسبت به مقررات دولتی است. دراین‌خصوص توجه به نکاتی در آرای دیوان عدالت اداری نسبت به مصوبات این شورا، بسیار راهگشا است. در یکی از دادنامه‌های مربوط به این موضوع آمده است که با توجه به اینکه مقرره مورد اعتراض در راستای اجرای حکم مقرر در مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا صادر و ابلاغ شده است و از سوی دیگر، با توجه به **تأییدیه‌ی مقام معظم رهبری در خصوص مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی** در خصوص اعمال محدودیت برای صدور برخی کالاها در شرایط اضطراری که در چارچوب **اختیارات حاصل از اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی** ایران صورت گرفته، مغایرتی میان مقرره مورد اعتراض و موازین حقوقی مورد استناد از سوی شاکیان وجود ندارد؛ لذا مستنداً به بند (ب) ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌شود.[3]

---

۱. به نقل از پایگاه اطلاع رسانی میزان قابل دسترسی در: www.mizanonline.com/fa/news/441718 مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲۴.

۲. به نقل از پایگاه خبری مشرق قابل دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/860159 مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۲۵ .

۳. دادنامه شماره ۱۰۹- ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۰۸- هیئت تخصصی به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۴، قابل دسترسی در:

مشاهده می‌گردد که اولاً دیوان مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را از قسم مقررات دولتی نمی‌داند؛ چراکه برای اعتباربخشی به بخشنامه و مقرره مورد اعتراض، منبع اختیار حاصله برای وی جهت صدور بخشنامه را مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا می‌داند که نشان می‌دهد شأنی حداقل هم‌عرض قوانین موضوعه برای مصوبات شورای مذکور قائل است و ثانیاً معتبر دانستن صلاحیت ورود شورای عالی به وضع مقرراتی خلاف قانون نشان می‌دهد این شورا و مصوبات آن از موقعیتی فراتر از مجلس و قوانین مصوب آن برخوردار است. دیوان برای موجه کردن و مشروعیت‌بخشی به مصوبه موردبحث، قید «به تأیید مقام رهبری» رسیدن را اضافه کرده و آن را مستند به اختیارات حاصله از اصل ۵۷ قانون اساسی دانسته که بیانگر فعالیت قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت مطلقه فقیه است.[۱]

بیان این موارد از دادنامه‌های دیوان عدالت اداری به این معنا نیست که ما برای مشخص کردن جایگاه مصوبات این شورا صرفاً به نظر دیوان عدالت استناد کنیم ولی ذکر گزاره «به تأیید مقام رهبری» رسیدن مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در دادنامه دیوان به‌عنوان یک سند رسمی ما را به فرض سوم رهنمون می‌سازد. همچنین در متن ابلاغیه «مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت» (تصویب شده در جلسه شصت و هفتم شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا) توسط وزیر اقتصاد به تأییدشدن این مصوبه توسط رهبری تصریح شده است[۲] و نیز در انتشار این مصوبه در سایت دولت به این موضوع اشاره شده است.[۳]

باتوجه به اینکه مصوبات این شورا به تأیید رهبری می‌رسند باید جایگاهی فراتر از قوانین عادی و مقررات دولتی برای آن‌ها در نظر گرفت و بر اساس دلالت‌های عملی و نظری ولایت مطلقه فقیه در اصل ۵۷ قانون اساسی، می‌توان فرض نمود که مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران

---

https://divan-edalat.ir/nht-detail/13169

۱. عباسی، بیژن و شیدایی نوید، **جایگاه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و مصوبات آن در نظم حقوق اساسی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، ۱۴۰۲، شماره۱۰۳، ص ۱۹۴.

۲. خانی، میر حامد و دیگران، **آشنایی با قوانین و مقررات مولدسازی دارایی‌های دولت**، تهران، اداره کل حقوقی، املاک و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۴۰۲، ص۱۵.

۳. قابل دسترسی در پایگاه اطلاع رسانی دولت به نشانی: dolat.ir/detail/۴۰۴۵۳۱ مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۴/۱۷

قـوا بـا توجـه بـه گـزاره «بـه تأییـد مقـام رهبـری رسـیدن» جـزء احـکام حکومتـی باشـد.۱ ولـی بـه نظـر می‌رسد اگرچه بتوان تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را مصداق احکام حکومتی دانسـت ولـی حکـم حکومتـی دانسـتن مصوبـات ایـن شـورا مـورد تردیـد اسـت؛ زیـرا حکـم حکومتـی در معنـای خـاص خـود دارای شـرایط و ویژگی‌هایـی اسـت۲ و در فرآینـد صـدور آن، نقـش حاکـم نقـش منحصربـه فـردی اسـت کـه بـا توجـه بـه شـرایط موجـود در رابطـه بـا موضوعـی رأساً بـه تصمیم‌گیـری و ابـلاغ آن تصمیـم می‌پـردازد. در حالـی کـه مصوبـات شـورای عالـی هماهنگـی اقتصـادی برآینـد جلسـات اعضـای ایـن شـورا و تصمیماتـی هسـتند کـه بـه مثابـه خروجـی ایـن جلسـات اتخـاذ می‌شـود و مقـام رهبـری در صـورت تشـخیص آن‌هـا را تأییـد می‌کننـد. از طـرف دیگـر ماهیـت حکـم حکومتـی بـه نحـوی اسـت کـه اغلـب مغایـر بـا جریـان عمومـی و عـادی جامعـه اسـت۳ و در مـوارد خـاص و اسـتثنا صـادر مـی شـود، در حالـی‌کـه مصوبـات شـورای عالـی هماهنگـی اقتصـادی دارای ایـن مشـخصات نبـوده و شـورای مذکـور در طـول چنـد سـال پـس از تأسـیس تـا اکنـون در موضوعـات مختلـف اقتصـادی، بودجـه و... و امـور بسـیار جزیی‌تـر ازجملـه محدودیت‌هایـی در زمینـه صـادارات و واردات مصوبـه داشـته، بنابرایـن نمی‌تـوان مصوبـات ایـن شـورا را حکـم حکومتـی دانسـت و تأییدشـدن مصوبـات ایـن شـورا توسـط رهبـری جایگاهـی ماننـد مصوبـات شـورای عالـی امنیـت ملـی بـه آن می‌دهـد کـه مطابـق اصـل ۱۷۶ بایـد در چارچـوب سیاسـت‌های کلـی نظـام بـوده و در نسـبت بـا سیاسـت‌های کلـی نظـام و حکـم حکومتـی در مرتبـه‌ی پایین‌تـری قـرار می‌گیـرد؛ بنـا بـر مباحـث بـالا درصورتی‌کـه همـه مصوبـات شـورای مذکـور بـا توجـه بـه قرائـن بـالا مـورد تأییـد رهبـری قـرار گیـرد، در سلسـله‌مراتب هنجارهـا مابیـن «قوانیـن عـادی» و «سیاسـت‌های کلـی نظـام و فرامیـن رهبـری» قـرار می‌گیـرد.

---

۱. عباسـی، بیـژن و شـیدایی نویـد، **جایـگاه شـورای‌عالی هماهنگـی اقتصـادی سـران قـوا و مصوبـات آن در نظم حقوق اساسـی**، فصلنامـه تحقیقـات حقوقـی، دوره ۲۶، ۱۴۰۲، شـماره۱۰۳، ص ۱۹۴و۱۹۵.

۲. مقدسی، مهدی واکبری، احسان، **جایگاه حقوقی و صلاحیت‌های شورای‌عالی امنیت ملی**، تهران، مجد،۱۳۹۷، ص۱۶۴.

۳. دولـت رفتـار حقیقی، محمدرضا و آقایی طوق، مسـلم، **مفهوم و جایگاه سیاسـت‌های کلی نظام**، تهران، دفتر گسـترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۹۶-۹۴.

گفتار سوم. مبانی نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا

این گفتار در پی پاسخ به این سؤال است که اگر از نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا سخن گفته می‌شود؛ مبانی و ادله آن چیست؟ آیا به لحاظ مبنایی، امکان نظارت بر مصوبات این شورا وجود دارد؟ در ادامه طی چند بند این مبناها بیان شده و درواقع ضرورت نظارت بر مصوبات شوراهای فراقوه‌ای اثبات می‌گردد. به بیانی دیگر برای تضمین رعایت مواردی که در گفتارهای آینده می‌آید ضرورت دارد که بر مصوبات شوراهای فراقوه‌ای نظارت شود.

بند نخست. تضمین رعایت اصل حاکمیت قانون و سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی

حاکمیت قانون که از مفاهیم بنیادین حقوق عمومی به شمار می‌رود، از مهم‌ترین تضمینات لازم برای تشکیل دولت قانونی است.[۱] بر مبنای اصل حاکمیت قانون در جامعه همه امور و جریان آن‌ها در جامعه باید بر مدار قانون صورت گیرد. البته کلیدواژه «قانون» در این اصل به معنی مطلق هنجارهای نظم‌دهنده حقوقی از جمله قانون اساسی، قوانین عادی، مقررات و حتی آرای محاکم می‌باشد.[۲]

یکی از ویژگی‌های دولت‌های قانون مدار که خود مبتنی بر اصل حاکمیت قانون است، رعایت اصل سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی است. بر اساس این اصل، قوانین و مقررات موضوعه همواره در جامعه دسته‌بندی شده و از یک نوع مرتبه و ارزش یکسان برخوردار نیستند.[۳] همچنین مقصود از این اصل آن است که مفاد هر هنجار فرودین را ضرورت آن است تا با مفاد هنجارهای فرازین هماهنگ بوده و با مفاد آن هنجارها مغایرت نداشته باشد.

کلسن که بیش از دیگر صاحب نظران به بحث پیرامون سلسله مراتب هنجارهای حقوقی پرداخته است وجود سلسله مراتب را میان هنجارهای حقوقی لازم می دانست و به تبع آن وجود مراجعی مشخص برای تضمین تحقق این سلسله مراتب را نیز ضروری می شمرد پیش بینی این مراجع تضمین کننده بدین منظور صورت می گرفت تا از تصویب قوانینی جلوگیری شود که هر چند ممکن است اعتبار حقوقی داشته باشند ولی با هنجارهای مافوق خود در تعارض می‌باشند.[۴]

---

۱. پروین، خیرالله، مبانی **حقوق عمومی**، تهران، سمت، ۱۴۰۰، ص ۳۰۷.

۲. امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش، **حقوق اداری**، جلد اول، چاپ بیست و پنجم، تهران، میزان، ۱۳۹۹، ص۴۴ .

۳. پروین، خیرالله، مبانی **حقوق عمومی**، تهران، سمت، ۱۴۰۰، ص۳۰۸.

۴. ویژه، محمدرضا، **کلیات حقوق اساسی**، تهران، سمت، ۱۳۹۳، ص۱۰۵و۱۰۶.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود آنکه قانون اساسی صریحاً به اصل سلسله‌مراتبی بودن هنجارهای حقوقی اشاره‌ای نکرده است، ولی با نگاهی اجمالی به اصول همین قانون می‌توان دریافت که این اصل و تضمینات لازم برای تحقق آن به‌روشنی مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته‌اند. برای شناسایی رتبه‌بندی هنجارهای حقوقی در نظام حقوق اساسی ایران، به دو جنبه اصلی باید توجه نمود. جنبه اول توجه به تعیین جایگاه متفاوت واضعان هنجارهای حقوقی است و جنبه دوم نقشی که قوه مؤسس در مشخص کردن طرق تضمین ثبات هر یک از این هنجارها ایفا می‌کند.[1]

در ادامه، لزوم سازگاری مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با هنجارهای فرادست خود بررسی شده و مشخص می‌گردد که این مصوبات باید با چه هنجارهایی سازگاری و مطابقت داشته باشند. بدیهی است رعایت اصل سلسله‌مراتب هنجارها در سایه نظارت تضمین می‌شود.

۱. سازگاری و عدم مغایرت با موازین شرعی

با وجود آنکه در اغلب نظام‌های سیاسی، قانون اساسی در رأس هرم هنجارهای حقوقی قرار دارد؛ ولی در نظام حقوقی ایران، احکام و موازین شرعی را باید ازاین‌جهت دارای بالاترین جایگاه دانست. اصل ۲ قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران را نظامی مبتنی بر توحید و اختصاص حاکمیت و تشریع به خداوند و لزوم تسلیم در برابر امر او معرفی می‌کند و بر پایه اصل ۴ قانون اساسی نیز: «کلیه قوانین و مقررات، مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...»

بر پایه مجموعه این موارد می‌توان دریافت که در نظام جمهوری اسلامی ایران احکام و موازین شرعی با توجه به دلایل مهمی چون منشأ صدور، در بالاترین جایگاه و مرتبه در میان هنجارهای مورد تبعیت در نظام حقوقی کشورمان قرار دارند و اصولاً نمی‌توان آن‌ها را در عرض هنجارهای حقوقی دیگر قرارداد. اصل ۴ قانون اساسی مقرر می دارد موازین شرع برعموم و اطلاق اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است. پس می‌توان گفت که مصوبات شورای مورد بحث نیز در مرتبه‌ای پایین‌تر از موازین شرع قراردارد؛ چراکه مطابق این اصل حکومت موازین شرع برهمه

۱. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، **دولت قانونمدار**، مجله دادنامه، ۱۳۸۹، شماره ۵، ص ۳۲-۳۰ .

قواعد حقوقی به این معناست که اصول دیگر قانون اساسی و دیگرمقررات نمی‌توانند برخلاف اصل ۴، حکمی را مقرر دارند. فلذا لزوم عدم مغایرت مصوبات شوراهای فراقوه‌ای با موازین شرع کاملاً محرز است و لازمه رعایت آن، نظارت بر این مصوبات می‌باشد.

۲. سازگاری و عدم مغایرت با اصول قانون اساسی

اصل برتری قانون اساسی و قرارداشتن آن در رأس هرم هنجارهای حقوقی ایجاب می‌کند که هنجارهای دیگر نتوانند رتبه و ارزشی هم‌پایه قانون اساسی پیدا کنند. زیرا در صورتی که هنجارهای دیگر بتوانند به جایگاهی هم‌تراز با قانون اساسی دست پیدا کنند، اصل برتری قانون اساسی و آثار و نتایج مترتب بر این برتری که شامل مواردی چون لزوم انطباق هنجارهای فرودین با هنجارهای فرازین است؛ نقض خواهد شد.[۱] بدین ترتیب به‌منظور خدشه واردنشدن به اصل سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی و نتایج ناشی از آن، مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی باید در انطباق کامل با قانون اساسی به‌عنوان هنجار برتر در سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی باشند.

مصوبات این شورا در مرتبه‌ای بعد از سیاست‌های کلی نظام و فرامین رهبری قرار می‌گیرند، درحالی‌که سیاست‌های کلی نظام نیز خود باید منطبق بر قانون اساسی باشند. دیدگاه مقام رهبری در مورد نسبت سیاست‌های کلی نظام و قانون اساسی تأییدکننده این نظر است. ایشان به مناسبت ابلاغ اولین مجموعه سیاست‌های کلی نظام تصریح نموده‌اند که سیاست‌های ابلاغی باید در چارچوب قانون اساسی باشد و نباید برای اجرای سیاست‌های کلی از قانون اساسی تخطی شود و نافذ بودن سیاست‌های کلی را منوط به عدم تخطی از قانون اساسی دانسته‌اند.[۲] از این حکم مقام رهبری می‌توان برداشت نمود که به اعتقاد ایشان هنجارهای مورد تأیید وی نیز در چارچوب اصول قانون اساسی نافذ می‌باشند و نمی‌توان با توسل به تأیید مصوبات یک نهاد توسط مقام رهبری مدعی برتری آن بر قانون اساسی بود. از همین رو، طبیعتاً در فرض حدوث تعارض باید رأی به برتری و حکومت اصول قانون اساسی داد. تضمین این مطابقت در سایه نظارت بر مصوبات شورای مذکور محقق می‌گردد.

---

۱. عباسی، بیژن، **مبانی حقوق اساسی**، تهران، جنگل، ۱۳۸۸، ص ۵۳ و ۵۴ .

۲. معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری ، **مجموعه سیاست های کلی نظام**، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری،۱۳۹۱ ، ص ۲۸ .

۳. سازگاری و عدم مغایرت با سیاست‌های کلی نظام

تعیین و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام بر اساس بندهای اول و دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی، از وظایف و اختیارات مقام رهبری است.

مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در جایگاهی پس از سیاست‌های کلی نظام قراردارد؛ فلذا سازگاری و مطابقت این مصوبات با سیاست‌های کلی نظام ضرورت دارد و تضمین آن نیازمند نظارت می‌باشد.

بند دوم. تضمین رعایت اصل تخصص (اصل عدم صلاحیت)

این اصل که می‌توان آن را بیانی دیگر از اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی دانست، حاکی از آن است که هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی در حدود وظایف و اختیاراتی که به‌موجب قانون برای او تعریف شده است، صلاحیت عمل دارد و اعمال انجام شده خارج از چارچوب صلاحیت از سوی ایشان باطل و فاقد اثر حقوقی است.[۱] بر مبنای این اصل صلاحیت مقامات حقوق عمومی همان است که در قوانین و هنجارهای مربوط به‌صراحت آمده است و در موارد شک در صلاحیت و عدم صلاحیت یک مقام نسبت به امری در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت آن مقام است.[۲]

بر این مبنا اگرچه در نظم هنجاری ایران وضع قاعده و تصویب مصوبه از سوی شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را واجد مبنای حقوقی و قانونی بدانیم اما این موضوع به‌هیچ‌روی به معنای این نیست که این شورا در هر موضوعی صلاحیت وضع قاعده داشته باشد. بلکه زمینه‌ی موضوعی مشخصی در رابطه باصلاحیت و حوزه اهداف و مأموریت این شورا وجود دارد. این شورا صرفاً در امور داخل در صلاحیتش، صلاحیت وضع قاعده و مصوبه را داشته و خارج از قلمرو صلاحیت تعریف شده برای آن، به‌هیچ‌روی صلاحیت وضع قاعده را ندارد. بدیهی است تضمین رعایت این اصل در سایه اصل نظارت و نظارت‌پذیری معنا پیدا می‌کند.

---

۱. مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، چاپ پانزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۷، ص۲۶۷ و عباسی بیژن، **تحلیل قواعد و شرایط شکل گیری اعمال اداری یک‌جانبه**، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،۱۳۹۲، شماره ۳، ص۱۲۶.

۲. آیینه نگینی، حسین، **صلاحیت مقررات‌گذاری رئیس قوه قضائیه و نظارت بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران،۱۳۹۴، ص۸۵.

بند سوم. دلالت اصول قانون اساسی بر اعمال نظارت بر قواعد حقوقی

بر اساس سازوکاری که در قانون اساسی آمده است، هر یک از مراتبِ قانون عادی و مقررات در هرم قوانین نظام حقوقی ایران، مورد مطابقت با قانون اساسی و شرع و دیگر قوانین قرار می‌گیرند تا هیچ قاعده حقوقی فرودین برخلاف قاعده حقوقی فرازین خود شکل نگیرد. اصول ۴، ۷۲، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی در رابطه با تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی و موازین شرعی، همچنین اصل ۸۵ و نیز اصل ۱۳۸ قانون اساسی در رابطه با سازوکار نظارت بر مقررات دولتی از جمله‌ی این موارد است. همچنین اصل ۱۷۰ و ۱۷۳ که نظارت پسینی بر مقررات دولتی توسط دیوان عدالت اداری را پیش‌بینی نموده است.

بنا بر آنچه در اصولی از قانون اساسی که در بالا آمد، می‌توان چنین برداشت نمود که منطق موجود در قانون اساسی، مبتنی بر اعمال نظارت بر قواعد حقوقی، جهت عدم مغایرت آن‌ها با هنجارهای بالاتر و برتر از خود است. بنابراین مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی اگرچه به لحاظ منشأ صدور و واضع آن با قواعد حقوقی که در قانون اساسی ذکرشده است، متفاوت است؛ ولی ماهیتاً با آن‌ها تفاوتی ندارد و قاعده حقوقی به این معنا که ایجاد حق و تکلیف برای مردم می‌کنند، است و بنابراین نیازمند نظارت جهت تضمین مطابقت و سازگاری با هنجارهای بالاتر از خود می‌باشند.

بند چهارم. دلالت سیاست‌های کلی نظام بر اعمال نظارت بر قواعد حقوقی

رهبر انقلاب نیز در اجرای این اصل۱۱۰، سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری را در تاریخ ۶ مهرماه ۱۳۹۸ ابلاغ نموده‌اند. در چند بند از سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی چنین آمده است[۱]:

«بند ۲- ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد سازوکار لازم برای تضمین اصل چهارم قانون اساسی.

بند ۳- تعیین سازوکار مناسب برای عدم مغایرت مقررات با قانون اساسی.

بند ۴-نظارت بر عدم مغایرت یا انطباق قوانین با سیاست‌های کلی نظام با همکاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قوانین لازم برای تحقق هر یک از سیاست‌های کلی نظام.»

مشاهده می‌شود که مطابق بندهای ۲ و ۳ و ۴ از سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، تعیین سازوکار

۱. قابل مشاهده در سایت به آدرس: مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۴/۲۳ https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43578

مناسب برای عدم مغایرت مقررات با شرع و قانون اساسی و همچنین سیاست‌های کلی نظام مورد تصریح قرار گرفته است؛ بنابراین منطق نظارت بر قواعد حقوقی جهت سازگاری با هنجارهای برتر صراحتاً در این سیاست‌ها مورد تأکید است که مصوبات شورای مذکور نیز مستثنا از این امر نخواهد بود.

گفتار چهارم. شیوه‌های نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا

در گفتار پیشین لزوم نظارت بر مصوبات این شورا اثبات گردید و مبانی سازگاری آن مصوبات با هنجارهای برتر از جمله موازین شرع و قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام تحلیل شد. در این قسمت، شیوه‌های محتمل برای نظارت بر مصوبات این شورا در نظام حقوقی ایران جهت تضمین رعایت اصل سلسله‌مراتب هنجاری و اصل تخصص و دیگر مبانی بیان شده، بررسی و امکان‌سنجی می‌گردد.

بند نخست. نظارت همگانی (عمومی و مردمی)

اگر دولت‌ها جامعه را اداره می‌کنند، مردم نیز عضو ذی‌نفع همان جامعه هستند و نتیجه خوب و بد اعمال و رفتار دولت مردان مستقیماً متوجه آنان است؛ بنابراین به‌حکم عقل، این حق و تکلیف برای همه افراد ایجاد می‌گردد که بر کار زمامداران خود نظارت کنند.[1]

اصل ۸ قانون اساسی، امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان طریق نظارت همگانی بر اعمال دولت از سوی مردم دانسته است. این اصل ضمن پذیرش بعد فردی و خصوصی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، بعد عمومی آن را نیز با عبارت «مردم نسبت به دولت» رسمیت بخشیده است. دانش واژه «دولت» را باید در مفهوم عام حاکمیت و شامل تمام ارکان حکومت دانست.[2] ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی نیز با ذکر عبارت « ... مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه... همین برداشت را بیان می‌کند که کلیدواژه «دولت» در این اصل در مفهوم اعم خود و دربردارنده شاکله حاکمیت است.[3]

---

۱. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام**، جلد اول، تهران، میزان،۱۳۹۴، ص۲۵۷.

۲. آیینه نگینی، حسین، **صلاحیت مقررات‌گذاری رئیس قوه قضائیه و نظارت بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران،۱۳۹۴، ص۱۱۸و۱۱۹.

۳. ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی: مردم از حق

به‌موجب اصل ۸ قانون اساسی، همه شهروندان از این حق برخوردارند تا فارغ از جایگاه و مقام سیاسی و اجتماعی خود نسبت به اقدامات و تصمیمات ارکان مختلف دولت نظارت داشته باشند و کج‌روی‌های احتمالی را به نهادهای مربوط تذکر دهند.[۱]

مهم‌ترین اهرم‌های نظارت مردمی در نظام سیاسی ایران اهرم‌هایی همچون احزاب، مطبوعات، رسانه‌های جمعی و نخبگان متعهد، به‌عنوان واسطه تحقق نظارت مردمی، هستند.[۲] در قانون اساسی نیز این ابزارهای مهم نظارتی مردم مانند: نشریات و مطبوعات (اصل ۲۴)، رسانه‌های دیداری و شنیداری (اصل ۱۷۵)، احزاب و گروه‌ها (اصل ۲۶) و تجمعات و گردهمایی‌ها (اصل ۲۷) ذکر شده است.

براین‌اساس مستند به اصل ۸ قانون اساسی و مفاد قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که شمول نظارت همگانی مردم را ناظر به‌تمامی اجزای حاکمیت می‌داند، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا نیز به‌عنوان جزئی از اجزای حاکمیت و مصوبات آن، مشمول نظارت همگانی و عمومی مردم و نخبگان جامعه قرار دارد. این نظارت می‌تواند تا حدودی و نه به طور قطعی مانع از تصویب قواعد و سیاست‌هایی مغایر با هنجارهای برتر و خارج از صلاحیت تخصصی شوراها شود. نظارت مردمی بر مصوبات این شوراها ممکن است و می‌تواند آن شورا را از تصمیمات خود منصرف کند و یا در صورت تصویب به اصلاح آن منجر گردد.

بند دوم. نظارت رئیس‌جمهور

ریاست شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا بر عهده رئیس‌جمهور است. (ریاست شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با توجه به اخبار منتشرشده پیرامون این شورا[۳] بر عهده رئیس‌جمهور

دعوت به خیر ،نصیحت ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چهارچوب شرع و قوانین می‌توانند به مقامات ، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه گانه اعم از وزارتخانه ها سازمان‌ها موسسات شرکت‌های دولتی موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی نهادهای انقلاب اسلامی نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام ،است امر به معرو و نهی از منکر کنند.

۱. پیرنیا، کوثر و ابریشمی راد، محمدامین، **نظارت بر مصوبات شورای‌عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران**، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، ۱۴۰۲، شماره ۱۷، ص۳۸۰.

۲. راسخ، محمد، **حق و مصلحت**، چاپ پنجم، تهران، نشر نی،۱۳۹۶، ص۴۱۸.

۳. برای مثال این خبر: «**جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی عصر امروز چهارشنبه به ریاست دکتر سید ابراهیم رئیسی و**

است). همچنین به موجب اصل ۱۲۱ قانون اساسی ریاست‌جمهور در جلسه‌ای با حضور نمایندگان ملت، اعضای شورای نگهبان و رئیس قوه قضائیه و در مجلس شورای اسلامی، در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌نماید که پاسدارمذهب رسمی و قانون اساسی کشور[1] باشد. مطابق این سوگند برای رئیس‌جمهور حق و تکلیف ایجاد می‌گردد.[2] همچنین بنا بر اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی را برعهده دارد. از طرفی به اقتضای ریاست جلسه، او در روند تصویب مصوبات حضوری فعال دارد و معمولاً ابلاغ مصوبات بر عهده رئیس‌جمهور است. بنابراین رئیس‌جمهور چگونه می‌تواند خلاف سوگند و مسئولیت‌های خود در اجرای قانون اساسی شاهد تصویب مصوبه‌ای در جلسات شورا باشد و آن را ابلاغ کند، در حالی که با اصول قانون اساسی مغایر باشد. بنابراین رئیس‌جمهور برای انجام مسئولیت‌های خویش باید نظارتی فعال بر مصوبات شورا از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی داشته باشد. این نظارت، نظارتی درونی است و از این جهت مصوبات شورای مذکور را بی‌نیاز از نظارت‌های بیرونی که قطعاً تضمین بهتری جهت رعایت اصل حاکمیت قانون می‌دهند، نمی‌کند.

البته این نظارت با توجه به دامنه و محدوده مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی مورد اختلاف است و در نظم حقوقی موجود با توجه به نظریات مفسر قانون اساسی پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ که مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را در اجرای قانون اساسی محدود به قوه مجریه می‌داند[3]، نمی‌تواند به طور مؤثر واقع گردد، چراکه تصویب مصوبات در این نهاد به صورت شورایی است و رئیس‌جمهور صرفاً مدیریت جلسات این شورا را بر عهده دارد و دارای یک رأی در تصویب مصوبات است و صرفاً می‌تواند در روند تصویب مصوبات، تذکرات لازم را پیرامون رعایت اصول قانون اساسی با توجه به مدیریت جلسات بدهد. این در صورتی است که برخی حقوقدانان عقیده دارند،

با حضور سران قوای مقننه و قضائیه برگزار شد و دو مصوبه به تصویب رسید.» قابل مشاهده در پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری به آدرس: https://president.ir/fa/151712 مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۴/۳.

۱. قسمتی از اصل ۱۲۱ قانون اساسی.

۲. خورشیدی، حسین، **ابعاد حقوقی تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸.

۳. نظریه تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۷۱۴۲ تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۲. قابل مشاهده در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان به نشانی: http://nazarat.shora-rc.ir

شمول عبارات یادشده در اصل ۱۱۳ نه اجرای قانون اساسی در قوه مجریه بلکه مربوط به اجرای قانون اساسی در همه ابعاد آن و در درون قوای سه‌گانه است[۱] و رئیس‌جمهور در صورت مشاهده مغایرت با قانون اساسی باید اقدام مناسب را انجام دهد.

بند سوم. نظارت مقام رهبری

مقام رهبری در چارچوب ایفای نقشی که در هدایت جامعه دارد و این نقش را در قالب سه صلاحیت ولاء، افتاء و قضاء اعمال می‌کند؛ در خصوص مصوبات این شورا و به طور روشن‌تر کلیه قوانین و مقررات جامعه از صلاحیت نظارت برخوردار است.[۲] برخی از فقها و اعضای سابق شورای نگهبان نیز همین مطلب را مورد توجه قرار داده و متذکر شده‌اند که: «شأن تشخیص انطباق قوانین و مقررات با موازین اسلامی یکی از شئون ولی فقیه بوده و در نتیجه این کار در درجه اول بر عهده ولی فقیه است و لذا با توجه به اینکه ولی فقیه و درعین‌حال نهاد صالح اصلی برای این منظور تلقی می‌گردد وی بایستی بر اساس اجتهاد خود این صلاحیت را عملی کند.»[۳] و ایشان این صلاحیت خود را در چارچوب اصل چهارم قانون اساسی به فقهای شورای نگهبان واگذار کرده‌اند. بر همین اساس همچنان که منصوبان ایشان فقهای شورای نگهبان از صلاحیت بررسی انطباق قوانین با موازین شرعی و قانون اساسی برخوردارند ایشان نیز به طریق اولی از چنین صلاحیت کلی و مشخصی برخوردار است و در جایی که مرجعی برای نظارت بر انطباق یک هنجار با قانون اساسی و شرع مشخص نشده باشد، ایشان بر پایه ولایت مطلقه خود بر امور جامعه عهده‌دار انجام این امر می‌گردند.

همچنین طبق بند دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام بر عهده رهبری قرار دارد که از مصادیق این نظارت می‌تواند نظارت بر مصوبات این شورا از جهت انطباق با سیاست‌های کلی نظام توسط ایشان باشد. بر این اساس می‌توان قائل به نظارت مقام رهبری بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا بود؛ لذا علاوه بر اینکه رهبری این

---

۱. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی**، جلد دوم، تهران، چاپ سی‌ام، میزان، ۱۳۹۹، ص۲۸۹.

۲. مقدسی، مهدی واکبری، احسان، **جایگاه حقوقی و صلاحیت‌های شورای‌عالی امنیت ملی**، تهران، مجد،۱۳۹۷، ص۱۶۳.

۳. کعبی نسب،عباس، **تحلیل مبانی اصل چهارم قانون اساسی**، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان،۱۳۹۳،ص۴۲.

حق را دارد که بر کلیات این مصوبات نظارت کند، همچنین می‌تواند از نظر ماهوی بر محتوای آن‌ها نیز نظارت داشته باشد و به دنبال آن حق بررسی اینکه این مصوبات با شرع و قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام نیز در تعارض نباشد نیز بر عهده رهبری است.

اکنون مسئله کیفیت نظارت و تصمیم مقتضی توسط ولی‌فقیه در صورت وجود تعارض مصوبات شورای مذکور با هنجارهای برتر مطرح می‌گردد. در مورد مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، اگرچه سازوکار تصویب و تأیید و ابلاغ مصوبات آن دردسترس نیست؛ یعنی مشخص نیست آئین‌نامه داخلی آن به چه شکل است؛ ولی بنا به قرینه آنچه تاکنون از مصوبات این شورا منتشر شده است مانند: مصوبه مولدسازی اموال دولت و دیگر مصوبات منتشرشده این شورا که در متن مصوبه به تأییدشدن توسط مقام رهبری ذکر شده است، ظاهراً به تأیید مقام رهبری می‌رسند. لذا برای نظارت بر آن‌ها باید قائل به نظارت مقام رهبری بر این مصوبات و اطمینان ایشان از انطباق مصوبات فوق با قانون اساسی و شرع و سیاست‌های کلی نظام قبل از تأیید آن‌ها بود. بدیهی است که در صورت وجود تعارض با توجه به جایگاه مهم قانون اساسی و شرع و سیاست‌های کلی نظام و عدم امکان هنجارگذاری برخلاف محتوای آن‌ها، ولی فقیه از تأیید مصوبه خلاف این هنجارهای برتر خودداری می‌کند.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین سازوکار نظارت موجود و ممکن بر مصوبات این شورا، الگوی نظارت مقام رهبری بر مصوبات فوق است و ایشان می‌توانند به هر طریقی که تشخیص می‌دهند نسبت به اعمال آن اقدام نمایند. مثلاً پیش از تأیید مصوبات، نظارت بر مصوبات فوق را به مجمع تشخیص مصلحت از حیث انطباق با سیاست‌های کلی و از حیث مطابقت با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان بسپارند.

فلذا در کل و به‌عنوان یک رویه دایمی می‌توان پیشنهاد کرد که ایشان نهادی را برای نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تعیین کنند که بر آن‌ها اعمال نظارت شود و همچنین رهبری توسط این نهاد بتواند اشراف بیشتری بر این شوراها داشته باشند. بر اساس همین پیشنهاد در مباحث آتی به نظارت هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و شورای نگهبان بر مصوبات این شورا پرداخته می‌شود.

بند چهارم. نظارت هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

تعیین و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، مطابق بند اول و دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی از وظایف و اختیارات مقام رهبری می‌باشد. اختیار نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام به موجب ماده ۱ مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در سال ۱۳۸۴ که به تأیید مقام رهبری رسیده است[۱]، به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض گردیده است. همچنین در سال ۱۳۹۶ بنا بر دستور رهبری و به دلیل کیفیت بخشی به کار نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام متشکل از برخی اعضای مجمع تشکیل شده است.[۲]

مقام رهبری می‌توانند نظارت بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را نیز به لحاظ مطابقت با سیاست‌های کلی نظام به مجمع و هیئت عالی نظارت بسپارند.

مجمع نیز پس از نظارت و مطابقت مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا می‌تواند نظر خود را مستقیماً به مقام رهبری اعلام تا اقدام مقتضی در عدم تأیید این مصوبات به عمل آورد یا مطابق ماده ۷ مقررات مذکور به مانند نظارت بر مصوبات مجلس به شورای نگهبان اعلام کند که این مورد درصورتی است که نظارت بر مصوبات شوراهای مذکور مطابق آنچه در مبحث بعد می‌آید از مجرای شورای نگهبان نیز اعمال گردد.

بند پنجم. نظارت شورای نگهبان

به‌واسطه مرجع تأسیس شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و وابستگی اندامی آن به مقام رهبری و مبنای تقنینی آن حق نظارت بر مصوبات آن، اصالتاً به رهبری اختصاص دارد. مخصوصاً آنکه مصوبات این شورا به تأیید رهبری نیز می‌رسند؛ اما اگر بنا باشد این نظارت به یک مرجع تمام‌عیار

---

۱. ماده ۱ مقررات نظارت برحسن اجرای سیاست‌های کلی نظام ابلاغی ۱۳۸۴/۶/۱۵ : نظارت برحسن اجرای سیاست‌های کلی نظام به موجب تفویض اختیار از سوی مقام معظم رهبری توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مطابق این مقررات صورت می‌گیرد.

۲. حکم دوره هشتم مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغی ۱۳۹۶/۵/۳۰. قابل مشاهده در سایت اختبار به نشانی: ekhtebar.ir

متخصص جهت احراز عدم مغایرت با قانون اساسی اعطاء شود، باید گفت با توجه به تخصص شورای نگهبان در این زمینه مخصوصاً با حضور شش فقیه و شش حقوق‌دان برجسته در آن و نیز محدودیت نهادهای نظارتی دیگر در رسیدگی به مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا که در بند آتی خواهد آمد، بهترین نهاد پیشنهادی شورای نگهبان است؛ بنابراین مقام رهبری می‌تواند نظارت پیش از تأیید را به شورای نگهبان بسپارند. ممکن است اشکال شود که با وجود تأیید ایشان که خود مستلزم نظارت است چه نیاز به نظارت شورای نگهبان است که در پاسخ گفته می‌شود، تأیید مصوبات صرفاً از جنبه نظارت برای مطابقت با هنجارهای برتر نیست بلکه جوانب دیگری نیز دارد. بنابراین مثلاً درمورد مصوبه شورای مذکور، اگرچه تأیید نهایی مصوبه با مقام رهبری است ولی ایشان می‌توانند نظارت بر عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی را پیش از تأیید کردن مصوبه به شورای نگهبان تفویض نماید.

با توجه به اصل ۹۶ قانون اساسی که بررسی مصوبات مجلس به جهت تشخیص عدم مغایرت با احکام اسلام را با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم مغایرت این مصوبات با قانون اساسی را با اکثریت همه اعضای شورای نگهبان دانسته است؛ می‌توان همین روش را برای بررسی مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا نیز پیشنهاد نمود. بنابراین به نظر می‌رسد در این زمینه، شورای نگهبان با توجه به بهره‌مندی از سابقه‌ای طولانی در نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی و شرع بتواند مرجع مناسبی برای نظارت بر مطابقت مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با موازین شرعی، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام از طریق اعلام مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد.

بند ششم. نظارت قضایی دیوان عدالت اداری

در نظام حقوقی ایران برای تضمین تبعیت از تصمیمات و اقدامات و مقررات نهادهای مختلف کشور از قانون اساسی، شرع و قوانین عادی نهادهای مشخصی در نظر گرفته شده است و به طور خاص نظارت بر عدم مغایرت مقررات با مصوبات بالادستی مذکور به دیوان عدالت اداری واگذار شده است.

اولین قانون دیوان عدالت در سال ۱۳۶۰ تصویب شد. با توجه به تحولات قضایی کشور، این قانون در سه مرحله در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ مورد اصلاح قرارگرفت و نهایتا در سال ۱۴۰۲ نیز اصلاح گردید و با عنوان قانون «دیوان عدالت اداری» تصویب شد.

با توجه به اینکه نهادهای مختلف مقرره گذار در نظام حقوقی کشور، دارای ماهیت‌های حقوقی متفاوتی بوده و خصوصیات و ویژگی‌های مختلفی را دارا می‌باشند، بنابراین رسیدگی به شکایات علیه مقررات آنان نیز دارای شرایط متفاوتی می‌گردد. لکن در برخی از موارد رسیدگی به مقررات برخی از نهادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار داده نشده و یا نسبت به آن اختلاف نظراتی وجود دارد. در ادامه با توجه به آخرین اصلاحات قانون دیوان عدالت اداری، به بررسی صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت از مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا پرداخته می‌شود.

مستفاد از اصل ۱۷۳ قانون اساسی اصولاً هرگونه مقرره عام‌الشمول که واجد وصف «اداری» باشد و از نهادهای عمومی صادر شود باید قابل شکایت و ابطال در دیوان عدالت اداری باشد. مطابق ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲، رسیدگی به شکایت از مصوبات در صلاحیت هیئت عمومی دیوان است.[1] اما قانونگذار در تبصره های ۱ و ۲ ماده ۱۲ مواردی را از شمول رسیدگی هیئت عمومی مستثنی نموده است. در تبصره‌های ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری از مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا به عنوان مستثنی نام برده نشده است. بنابراین در نگاه اول به نظر می‌رسد باتوجه به اینکه در این ماده، مصوبات برخی دیگر از شوراها از شمول صلاحیت هیئت عمومی دیوان خارج شده‌اند و نامی از این شورا برده نشده است، بنابراین رسیدگی به شکایت از مصوبات آن می‌تواند در صلاحیت هیئت عمومی قرار گیرد. در نگاهی دیگر نیز می‌توان گفت؛ با توجه به اینکه این

---

۱. ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری: حدود صلاحیت و وظایف هیئت عمومی دیوان به شرح زیر است:
۱- رسیدگی به شکایات، تظلّمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و موسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص میشود.
۲- صدور رای وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.
۳-صدور رای ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.
تبصره ۱- رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.
تبصره ۲ (الحاقی ۱۴۰۲/۲/۱۰)- رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در حوزه صلاحیت این نهادها از شمول حکم این ماده خارج است، لیکن رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های شوراهای مذکور از قبیل هیئت (کمیسیون)ها، کارگروه (کمیته)ها، شوراها و ستادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.

شورا و سابقه و مبنای تشکیل و وابستگی اندامی آن مانند دیگر شوراهای مستثنی شده در این ماده است، پس می‌توان وحدت ملاک گرفت و رسیدگی به شکایت از مصوباتی که در صلاحیت این شورا تصویب شده را خارج از شمول صلاحیت رسیدگی در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری دانست.

بررسی رویه دیوان عدالت اداری در مواجهه با مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا می‌تواند پاسخگوی سؤال ما در خصوص نظارت‌پذیری مصوبات این شورا در دیوان باشد.

رویه قضایی دیوان عدالت اداری در پذیرفتن دادخواست‌های مکرر، ابطال برخی مقررات دولتی وضع شده بر اساس مصوبات شورای عالی هماهنگی به علت مغایرت با قانون، بیانگر نگاه دیوان و نظام قضایی به جایگاه فرادستی مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا نسبت به مقررات دولتی است.[1] دیوان در دادنامه‌های متعدد پیرامون شکایت از مصوباتی که بر اساس مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصویب شده بود و نه حتی خود مصوبات این شورا، تصریح به قید «به تأیید مقام رهبری» نموده و آن را مستند به اختیارات حاصله از اصل ۵۷ قانون اساسی دانسته که بیانگر فعالیت قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت مطلقه فقیه است.[2] در واقع دیوان مصوبات این شورا را به‌عنوان مصوبات مورد تأیید و تنفیذ مقام رهبری می‌داند و با توجه به اینکه مصوباتی که به تأیید و تنفیذ رهبری می‌رسند، مقرره دولتی تلقی نمی‌گردند، هیئت عمومی در آرای مختلف از رسیدگی به مصوباتی که به تنفیذ رهبری رسیده است از خود نفی صلاحیت نموده و آن‌ها را قابل رسیدگی ندانسته است.[3] به عنوان مثال مطابق دادنامه شماره ۲۰۴۵ مورخ ۱۴۰۱/۹/۲۲ با موضوع شکایت از مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، شکایت به جهت تأیید و تنفیذ مصوبات معترض‌عنه غیر قابل استماع در هیئت عمومی تلقی شده است.[4]

---

۱. عباسی، بیژن و شیدایی نوید، **جایگاه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و مصوبات آن در نظم حقوق اساسی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، ۱۴۰۲، شماره۱۰۳، ص ۱۹۱.

۲. برای مثال: دادنامه شماره ۱۰۹- ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۰۸- هیئت تخصصی به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۴ قابل دسترسی در:
https://divan-edalat.ir/nht-detail/13169

و دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۷۳۵ هیئت تخصصی به تاریخ هشتم تیر۱۳۹۹ .

۳. مولا بیگی، غلامرضا و محمدی احمدآبادی، حسین، **صلاحیت و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری**، چاپ هفتم، تهران ، جنگل،۱۴۰۲، ص۲۶۶.

۴. بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ایران همواره نظارت بر مصوبات شوراهایی مانند شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با ابهام مواجه بوده و سازوکار مشخصی برای نظارت بر این مصوبات پیش‌بینی نشده است. که به نظر می‌رسد این ابهام ناشی از عدم اجماع نظام حقوقی بر ماهیت و جایگاه مشخصی برای مصوبات شورای یاد شده در سلسله مراتب هنجارهای قانونی باشد. در این پژوهش جایگاهی که برای مصوبات این شورا در نظر گرفته شد، پایین تر از موازین شرعی و قانون اساسی و مابین سیاست‌های کلی نظام و قوانین عادی می‌باشد.

در این پژوهش ضرورت و امکان نظارت بر مصوبات این شورا با مبانی تضمین رعایت اصل حاکمیت قانون، اصل سلسله‌مراتب هنجارهای قانونی و اصل تخصص؛ دلالت اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری بر لزوم نظارت‌پذیری هنجارهای حقوقی اثبات گردید. شیوه‌های محتمل جهت تحقق این نظارت مورد تحلیل واقع شد که نظارت همگانی و عمومی مردم، نظارت درونی رئیس جمهور به واسطه ریاست بر این شورا و نظارت مقام رهبری به جهت تأیید این مصوبات ممکن دانسته شد و نظارت هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و شورای نگهبان بر مصوبات این شورا نیز به عنوان رویه‌ای دائمی و مؤثر جهت نظارت پیشنهاد گردید. همچنین مطابق رویه دیوان عدالت اداری شکایت از مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا به جهت تأیید و تنفیذ مصوبات معترض‌عنه توسط رهبری غیر قابل استماع در هیئت عمومی تلقی شده است و نظارت قضایی این دیوان بر این مصوبات منتفی است.

تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آئین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیر دولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلّف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف موجب تضییع حقوق اشخاص می شود از جمله صلاحیت ها و وظایف هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تعزیرات حکومتی به موجب لایحه شماره ۱۴۰۱/د/۲۰۰/۹۱ مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۱ و معاون امور حقوقی دولت بر اساس لایحه شماره ۴۸۴۷۵/م/۳۰۹۲۲ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۹ اعلام کرده اند که مصوبه جلسه شصت و نهم شورای عالی هماهنگی اقتصادی که در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۱۷ برگزار شده و متضمن اتخاذ تصمیماتی در خصوص اصلاح برخی احکام مرتبط با تعزیرات حکومتی است، به تأیید و تنفیذ مقام معظم رهبری نیز رسیده، لذا مصوبه فوق از مصادیق مقررات موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نبوده و قابل طرح در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیست.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش، **حقوق اداری**، جلد اول، چاپ بیست و پنجم، تهران، میزان، ۱۳۹۹.

۲. پروین، خیرالله، مبانی **حقوق عمومی**، تهران، سمت، ۱۴۰۰.

۳. خانی، میر حامد و دیگران، **آشنایی با قوانین و مقررات مولدسازی دارایی‌های دولت**، تهران، اداره کل حقوقی، املاک و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۴۰۲.

۴. دولت رفتار حقیقی، محمدرضا و آقایی طوق، مسلم، **مفهوم و جایگاه سیاست‌های کلی نظام**، تهران، دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸.

۵. راسخ، محمد، **حق و مصلحت**، چاپ پنجم،تهران، نشر نی،۱۳۹۶.

۶. راسخ، محمد، **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**، چاپ ششم، تهران، دراک،۱۳۹۸.

۷. عباسی، بیژن، **مبانی حقوق اساسی**، تهران، جنگل، ۱۳۸۸.

۸. کعبی نسب، عباس، **تحلیل مبانی اصل چهارم قانون اساسی**، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳.

۹. معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، **مجموعه سیاست‌های کلی نظام**، تهران، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری،۱۳۹۱ .

۱۰. مقدسی،مهدی‌واکبری،احسان،**جایگاه‌حقوقی‌وصلاحیت‌های‌شورای‌عالی‌امنیت‌ملی**،تهران،مجد،۱۳۹۷.

۱۱. مولا بیگی، غلامرضا و محمدی احمدآبادی، حسین، **صلاحیت و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری**، چاپ هفتم، تهران ، جنگل،۱۴۰۲.

۱۲. مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، چاپ پانزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۷.

۱۳. ویژه، محمدرضا، **کلیات حقوق اساسی**، تهران، سمت،۱۳۹۳.

۱۴. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام**، جلد اول، تهران، میزان،۱۳۹۴.

۱۵. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی**، جلد دوم، تهران، چاپ سی‌ام، میزان، ۱۳۹۹.

ب) مقاله‌ها

۱۶. پیرنیا، کوثر و ابریشمی راد، محمدامین، **نظارت بر مصوبات شورای‌عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران**، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، ۱۴۰۲، شماره ۱۷.

۱۷. عباسی، بیژن و شیدایی نوید، **جایگاه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و مصوبات آن در نظم حقوق اساسی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، ۱۴۰۲، شماره ۱۰۳.

۱۸. عباسی، بیژن، **تحلیل قواعد و شرایط شکل‌گیری اعمال اداری یک‌جانبه**، فصل نامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،۱۳۹۲، شماره ۳.

۱۹.گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، **دولت قانون‌مدار**، مجله دادنامه،۱۳۸۹، شماره ۵.

پ) پایان‌نامه‌ها

۲۰. آیینه نگینی، حسین، **صلاحیت مقررات‌گذاری رئیس قوه قضائیه و نظارت بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه تهران،۱۳۹۴.

۲۱. خورشیدی، حسین، **ابعاد حقوقی تصمیمات شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵.

ت) قوانین و مقررات

۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری ۱۳۶۸.

۲۳. قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۴۰۲.

۲۴. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴.

۲۵. مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام ابلاغی ۱۳۸۴/۶/۱۵.

۲۶. سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶.

Supervisability of approvals of Supreme Council for Economic Coordination in the legal system of Iran

Majid Moradi[1]
Mustafa Mansourian[2]

Abstract

In the Islamic Republic of Iran, alongside the Islamic Consultative Assembly, other institutions can be observed that engage in varying degrees of rulemaking. The Supreme Council for Economic Coordination is one such institution. Acknowledging that this Council formulates legal rules within Iran's legal system, the issue of oversight of its decisions arises. This descriptive-analytical research seeks to answer the question of on what basis the oversight of the Supreme Council for Economic Coordination's decisions can be justified and, if such oversight is possible, how it can be implemented. the principles of the rule of law, hierarchy of legal norms, and expertise. The Constitution and the general policies of the legislative system indicate the necessity of oversight of legal norms. Oversight of the Supreme Council for Economic Coordination's decisions is possible through various means, including public oversight, internal oversight by the President as the Council's chair, and oversight by the Supreme Leader due to the approval of these decisions. The oversight of the High Council for Supervision over the Implementation of General Policies of the System and the Guardian Council over the Council's decisions is also proposed as a permanent and effective oversight mechanism. Furthermore , according to the Administrative Justice Court's practice, judicial oversight by this court over these decisions is not feasible.

KeyWords: Supreme Council for Economic Coordination, Supervision, Rule of law, Hierarchy of Norms.

1. MSc. Department of Public and International Law, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran (Corresponding Author). mjmoradi17@gmail.com

2. Assistant Prof, Department of Public and International Law, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. mansourian@ujsas.ac.ir